

نسبت‌سنجی قاعده فقهی «لاضرر» با نظریه مقاومت اسلامی

حسین آجورلو<sup>۱</sup>، علی قاسمی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

چکیده:

مسئله مقاومت اسلامی نه تنها به‌مثابه یک حکم شرعی بلکه در قامت یک نظریه علمی در دانش فقه سیاسی با برخی چالش‌های فقهی روبرو است. از جمله این چالش‌ها ارتباط این نظریه با قاعده فقهی لاضرر است. یک رهیافت نادرست حکایت از تعارض این قاعده با نظریه مقاومت اسلامی به دلیل آسیب‌ها و ضررهای ناشی از ایستادگی در برابر دشمن دارد؛ اما تأمل در ابعاد قاعده لاضرر و نظریه مقاومت اسلامی و نسبت‌سنجی میان آن دو این تعارض را نفی می‌نماید. همچنین کلیه احکامی همچون جهاد و مقاومت در برابر دشمنان که ذاتاً مبتنی بر نوعی تغیر و ضرر هستند، به‌صورت تخصصی و موضوعی از ذیل ادله قاعده لاضرر خارج هستند؛ چراکه اساساً استناد به این قاعده در محل نزاع موجب تعطیلی اصل حکم حیات‌بخش و پُرثمر جهاد فی سبیل‌الله و مقاومت در برابر طواغیت و مستکبرین خواهد شد.

**واژگان اصلی:** قاعده لاضرر، ضرر، مقاومت اسلامی، جهاد، استکبار جهانی.

<sup>۱</sup>. طلبه سطح ۴ حوزه علمیه، کارشناسی ارشد فقه سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی (ره) (نویسنده مسئول)

hossain.ajorloo@yahoo.com

a\_qasemi@sbu.ac.ir

<sup>۲</sup>. عضو هیئت علمی گروه فقه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (ره)

مسئله مقاومت در منظومه معارف دین مبین اسلام از جایگاه والایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که وجوب شرعی آن از کتاب و سنت قابل استظهار و استنباط است. مقاومت ریشه در لایه‌های عمیق اجتماعی داشته و اصالت این مفهوم را در گزاره‌ها و آموزه‌های نقلی و عملی ادیان الهی خصوصاً اسلام به‌خوبی می‌توان مشاهده نمود. (عیوضی، ۱۴۰۱، ص ۲۵) از این رو در کتب فقهی می‌توان نمودها و مظاهری از مسئله مقاومت را در ابوابی همچون دفاع و جهاد مشاهده نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی، بیش از پیش نظریه مقاومت به‌عنوان پیشران مقابله با استبداد داخلی و سلطه خارجی مطرح و مورد پذیرش و توجه برخی از گروه‌ها و جریان‌های مبارز قرار گرفت. پدیده کم‌نظیر مقاومت در برابر استعمار و استبداد و صهیونیسم بین‌المللی از آثار مهم انقلاب اسلامی است که جریان پیش روی اهداف انقلاب و اسلام را در عمق جان ملت‌های اسلامی نفوذ داد و به خیزش‌های عظیم مردمی منتهی شد. (اکبری، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۱) نظریه مقاومت به‌مثابه یک نظریه‌ریایی‌بخش در قالب پارادایم تقابل با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب محمدی ص با هدف رفع غرب‌زدگی از مناسبات قدرت و سیاست بین‌الملل تئوری پردازی شده است. بدون شک چنین مقاومتی — مقاومت پویای نشئت‌گرفته از اندیشه انقلاب اسلامی و نه صرف مقاومت منفعلانه — متخذ از متن قرآن و سنت است. نظریه مقاومت مشتمل بر روایت دیگری از متن سیاست و روابط بین‌الملل مبتنی بر تزویر و استناداردهای دوگانه است. (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴، ص ۷)

در این بین مسئله مقاومت با برخی چالش‌های فقهی نیز مواجه است. یکی از این چالش‌ها بررسی ارتباط این نظریه با قاعده فقهی لاضرر است. توضیح بیشتر آنکه تأکید بر نظریه مقاومت و اتخاذ آن به‌عنوان یک سیاست و راهبرد در عرصه حکمرانی سیاسی و در تعامل با استکبار جهانی، در برخی موارد مستلزم آسیب‌ها، آفات و برخی ضررهای اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به زمینه‌های گوناگون مقاومت و عرصه‌های مختلف آن در حیات اجتماعی بشر، این ضررها و آسیب‌ها نیز بالتبع در ابعاد و ساحت‌های متعددی جلوه‌گر خواهد بود و طبعاً منجر به ایجاد زحمت‌ها و سختی‌هایی برای مردم و اقشار

گوناگون خواهد شد که یکی از نمودهای آن انعکاس آثار تحریم‌های ظالمانه بر ملت ایران است. با توجه به این نکته آیا وجود این ضررهای قطعی در مسئله جهاد و مقاومت برای امت اسلامی موجب جریان این قاعده در محل نزاع و بالتبع رفع حکم وجوبی مقاومت ولو برای مقطع زمانی خاصی می‌شود؟ بدین معنا که آیا قاعده لاضرر بر ادله وجوب مقاومت در برابر دشمنان حاکم است یا خیر؟ اگر حاکم است، سازوکار تحلیل فقهی این حکومت چگونه است؟ آیا صغریاً اتخاذ نظریه مقاومت اسلامی به‌عنوان سیاست کلان نظام موجب ضرر خواهد شد؟ اگر بله، آیا کبریاً هر نوع ضرری در احکام شرعی به سبب قاعده لاضرر نفی شده است؟

در این طرح پژوهشی ضمن بررسی مدلول مستفاد از قاعده لاضرر و بیان اقوال گوناگون در آن و همچنین تبیین مفاد نظریه مقاومت اسلامی و قائلان آن، تلاش می‌شود تا به وجوه موضوع شناختی ضرر و اضرار در لوازم نظریه مقاومت اسلامی پرداخته شود و به لحاظ فقهی درصد نسبت‌سنجی این قاعده با الزامات مقاومت اسلامی و پاسخگویی به سؤالاتی نظیر سؤال مزبور برآید.

مفاهیم:

## ۱. قاعده فقهی لاضرر

### ۱/۱. مفهوم قاعده فقهی

«قاعده» در لغت به معنای بنیان و ریشه و یا ستون مورد اشاره قرار گرفته است. (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۷۲) در اصطلاح قاعده فقهی را می‌توان به‌مثابه یک قضیه کلی و قابل انطباق بر جزئیات آن دانست. (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲) لذا می‌توان قواعد فقهیه را احکام کلی شرعی در نظر گرفت که در طریق تشخیص وظیفه مکلف در مقام عمل قرار می‌گیرند و این تشخیص به شکل تطبیق خواهد بود. (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۲۱) (مصطفوی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۹) در کل برای قاعده فقهی می‌توان سه خصوصیت بیان نمود: ۱. به‌صورت اصلی کلی مطرح می‌شود. ۲. این اصل کلی مستنبط از ادله شرعی است.

۳. این اصل شرعی کلی همچون انطباق کلی طبیعی بر مصادیق خود، قابل تطبیق است.

(شریعتی، ۱۳۹۳، ص ۳۰)

#### ۱/۲. معنای مستفاد از قاعده لاضرر

ضرر در لغت به معنای ضد نفع، خلاف نفع، شدت و ضیق مورد اشاره قرار گرفته است. (ابراهیم، ۱۹۸۹، ج ۱، ص ۵۳۸؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۱۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۷۱؛ معلوف، ۱۳۷۱، ص ۴۱۷) به همین جهت معنای عرفی این کلمه همان نقص پنداشته شده است. این نقص در کلمات فقها در مال و بدن و عرض و حقوق مورد اشاره قرار گرفته است. واژه ضرار نیز در کتب لغت غالباً به همان معنای ضرر یا تأکید آن حمل شده است. همچنین ابعاد دیگری برای معنای آن نیز مورد اشاره قرار گرفته است. برای نمونه این چنین بیان شده است که ضرار فعل دو شخص می باشد و ضرر فعل یک شخص. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۸۱) در هر صورت اهل لغت در این نکته اتفاق دارند که هر دو واژه ضرر و ضرار در دلالت بر اصل معنای نقص و آفت اشتراک دارند؛ اما می توان فارق بین این دو واژه را با عنایت به اسم مصدر بودن ضرر و مصدر بودن ضرار مورد توجه قرار داد. توضیح بیشتر آنکه ضرر اسم مصدر بوده و دلالت می کند بر مجرد حدث با قطع نظر از حیثیت صدور یا انتساب به فاعل؛ یعنی دلالت دارد بر نفس نقص بدون لحاظ حیثیت صدور از فاعل مثلاً وقتی گفته می شود: «ضرر الفلان عظیم»؛ آنچه در اینجا اراده می شود آن است که نفس نقص و آسیب بزرگ و قابل توجه بوده و اصلاً فاعل آن آسیب مورد توجه نیست. لکن در واژه ضرار مطلب کاملاً عکس آن است. ضرار مصدر بوده و دلالت می کند بر حدث با لحاظ حیثیت صدور از فاعل. برای نمونه زمانی که گفته شود «ضرار فلان عظیم» در اینجا مراد آن است که ضرری که فلانی نسبت به حدوث آن مباشرت داشته است عظیم و بزرگ بوده است. لذا به همین دلیل برخی بر آن هستند که واژه «ضرار» دلالت دارد بر صدور ضرر از فاعل به نحو استمرار و تکرار و یا قصد و تعمد و اتخاذ روشی باطل. بدین ترتیب نهی از ضرار به معنای نهی از ایجاد نقص و ضرر به صورت تعمد و همراه با روش های باطل است. در این خصوص می توان به برخی استشهادات قرآنی نیز استناد نمود. (بقره، ۲۳۱؛ توبه، ۱۰۷؛ بقره، ۲۸۲) پس در نتیجه می توان چنین ادعا نمود که «ضرر» به معنای

نفس نقص و آسیب است درحالی که «ضرار» به معنای ضرر صادر از فاعل همراه با قصد و تعمد است. (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷) در رابطه با مفهوم و مدلول مستفاد از عبارت «لاضرر و لاضرار» در بین اندیشمندان اسلامی و فقهای اعصار گوناگون، آراء متعددی بیان شده است. ا عنایت به تأثیر مستقیم آن در استنباط حکم شرعی شش دیدگاه اصلی در رابطه با مفاد ترکیبی این قاعده فقهی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### ۱/۲/۱. دیدگاه اول: نهی و تحریم تکلیفی ضرر

حسب ادعای صاحبان این نظر، قاعده لاضرر ناظر به نهی از آسیب و ضرر به غیر است. (شریعت اصفهانی، بی تا، ص ۱۸) این دیدگاه مبتنی بر این نکته است که «لا» نافیه به صورت مجازی در نهی مورد استعمال قرار گرفته است. (شریعت اصفهانی، بی تا، ص ۲۴) استعمال لفظ در غیر معنای موضوعه امری رایج در استعمالات عرب است. (خطیب قزوینی و سکاکی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۴) لذا برای عبارت «لاضرر و لاضرار» می‌بایست یک خبر محذوف در نظر گرفت؛ برای نمونه: لا ضررٌ جائز. کاربست این جمله خبری در معنا و قصد انشاء نیز استعمالی رایج بوده و همچون استعمال صیغ معاملات در معنای انشاء است. (سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۱۶۴)

### ۱/۲/۲. دیدگاه دوم: نهی ضرر غیر متدارک

این دیدگاه اختصاص به فاضل تونی دارد. حسب این رأی، شارع متعال از ضرر غیر متدارک نهی نموده است چراکه مفاد حدیث نهی ضرر در عالم خارج است و چون میدانیم چنین مطلبی صحیح نمی‌باشد باید در عالم خارج تدارک ضرر موجود را فرض بگیریم؛ بدین جهت که ضرری که جبران و تدارک شود به مثابه عدم ضرر تلقی می‌شود و عرفاً ضرری به حساب نمی‌آید. پس هر ضرری در خارج شرعاً محکوم است به وجوب تدارک و جبران. (تونی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۴)

### ۱/۲/۳. دیدگاه سوم: نهی جعل حکم ضرری

بر اساس این دیدگاه معنای مستفاد از این عبارت نهی وجود احکام ضرری در شریعت اسلامی است؛ بدین معنا که در احکام اسلامی، آنچه موجب نقص و ضرر باشد توسط شارع متعال تشریح نشده است. در رابطه با تنقیح این دیدگاه لازم است یکی از این سه احتمال مورد نظر قرار گیرد: اول آن که واژه «حکم» را در

عبارت حدیث در تقدیر بگیریم؛ برای مثال تقدیر عبارت این چنین می‌شود: «لا حکم ضرریاً». دوم آن که چیزی در تقدیر گرفته نشود و خود کلمه «ضرر» را تعبیر کننده از «حکم» بدانیم. در این صورت لازم می‌آید که قائل به استعمال مجازی واژه «ضرر» در معنای «حکم» باشیم؛ درحالی که این نکته در احتمال اول مفقود است. (سبحانی تبریزی، ۱۴۰۸، ص ۴۱) سوم آن که ادعا شود که واژه «ضرر» در معنای حکم به صورت حقیقی و از باب سبب و مسبب تولیدی مورد استفاده قرار گرفته است. چراکه استفاده لفظ مسبب تولیدی برای دلالت بر سبب تولیدی استعمالی عرفی، حقیقی و رایج بوده است. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۹) در بین اندیشمندان و فقیهان اعصار گوناگون شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۵۲۵)، میرزای نائینی (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۶۲)، آیت‌الله خویی (خویی و واعظ الحسینی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۶۹) و شهید صدر (صدر، ۱۴۲۰، ص ۲۰۶) نیز این دیدگاه را مورد تأکید قرار داده‌اند.

#### ۱/۲/۴. دیدگاه چهارم: نفی حکم به لسان نفی موضوع

براساس این دیدگاه نفی به حکم ضرری تعلق نگرفته است؛ بلکه موضوع ضرری مورد نفی قرار گرفته است. در روایت مربوط به لاضرر نبی مکرم اسلام موضوع ضرر را نفی نموده و لکن منظور ایشان با واسطه نفی حکم ضرری است؛ آن چنان که در دانش اصول نفی حکم شرعی با لسان نفی موضوعات مورد اشاره قرار گرفته است. (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۲ الف، ج ۶، ص ۶۲) در روایاتی همچون «لا شک لکثیر الشک» (روحانی، ۱۴۳۵، ج ۸، ص ۳۰۹) و «لا ربا بین والد و الوالد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۳۳۹) و «لا سهو فی النافله» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۹۹۹) نیز هرچند موضوع در آن‌ها نفی شده است لکن غرض نهایی نفی حکم می‌باشد. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۲)

#### ۱/۲/۵. دیدگاه پنجم: حکم حکومتی

دیدگاه پنجم ناظر بر سلطانی و حکومتی بودن این قاعده و عبارت صادر از نبی مکرم اسلام است. این نظر که متعلق به امام خمینی ره بوده است ضمن نفی اقوال پیشین بر این مطلب تأکید می‌ورزد که هر چند ماهیت عبارت لاضرر و لاضرار نهی بوده است لکن این نهی از طرف خداوند متعال نبوده و صبغه الهی نداشته است بلکه از ناحیه پیامبر و حکم حکومتی وی و از شأن سلطنت و حاکمیت وی اصدار شده است. (خمینی، روح‌الله، ۱۴۱۵، ص ۱۰۸)

۱/۲/۶ دیدگاه ششم: تفکیک مدلول دو فقره عبارت لا ضرر و لا ضرار در این دیدگاه که نظر مختار نوشتار حاضر است، هر چند از جهاتی به آرای پیشین شباهت دارد لکن استظهار جدیدی از مدلول هیئت ترکیبی قاعده است. در واقع می‌توان گفت این دیدگاه ترکیبی از نظر شیخ انصاری و امام خمینی است. در این دیدگاه بین دو فقره «لاضرر» و «لاضرار» تفاوت وجود دارد؛ و نباید به صورت واحد با آن دو مواجه شد. همچنان‌که پیشتر بیان شد، «ضرر» به معنای نفس نقص و آسیب می‌باشد بدون دلالت بر فاعل آن؛ لذا اراده نهی نیز از آن معقول نمی‌باشد. در این فقره پیامبر به عنوان یک متکلم قصد اخبار از عدم وجود احکام ضرری در شریعت الهی را دارد، به گونه‌ای که دلالت کند بر نفی ضرر در حق مکلفین از ناحیه احکام شرعی. در اینجا دیگر لازم نیست تا کلمه‌ای را در تقدیر بگیریم چراکه خود ضرر در اینجا مورد نفی قرار گرفته است. لذا مدلول فقره نخست نفی ضرر از ناحیه احکام و تشریعات الهی است. (سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۹)

در فقره دوم، نهی از اضرار به غیر و تحریم آن استفاده می‌شود، چراکه در واژه «ضرار» جنبه صدور از فاعل لحاظ شده است و شبیه معنای اضرار فرض می‌شود. این تحریم اضرار ملازم است با تشریح اسباب پیشگیرانه در مقابل تحقق ظلم و استمرار آن؛ چرا که هرگونه تحریم اضراری بدون در نظر گرفتن فرآیندها و یا قوانین پیشگیرانه، عقلایی محسوب نمی‌شود. در معنای واژه «ضرار» اضرار متکرر یا مستمر مورد لحاظ واقع شده است و در این جا از آن نهی شده است؛ لکن این نهی متضمن یک حکم مولوی تکلیفی است به ضمیمه اتخاذ روش و وسائل اجرایی آن. (سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۹)

## ۲. نظریه مقاومت اسلامی

## ۲-۱: معنای نظریه

نظریه در لغت به معنای عقیده، رأی، فکر، حدس مورد اشاره قرار گرفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۲۵۸۵) نظریه ترجمه واژه Theory بوده که از واژه لاتین Theoria اتخاذ شده است. (همان) در اصطلاح نیز از دیدگاه برخی اندیشمندان مجموعه‌ای از گزاره‌ها و مفاهیم نظام‌مند و سنجیده محسوب می‌شود که در مقام توصیف و تحلیل واقعیت بوده و قابلیت آن را دارد تا پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را در فرآیند منطقی آن تشریح نماید. در این تحلیل نظریه مجموعه‌ای از تعاریف و گزاره‌های به هم مرتبط محسوب شده که از طریق مشخص ساختن روابط بین متغیرها باهدف تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، دید نظام‌یافته‌ای از پدیده‌ها ارائه می‌کند. (کرلینجر، ۱۳۷۷، ص ۲۹) (جاکارد، ۱۳۹۵، ص ۷۰) (pfaltzgraff & Dougherty, ۲۰۰۱, p. ۱۸) برخی دیگر این مفهوم را به‌مثابه قلب و هسته مرکزی یک دانش قلمداد نموده‌اند. (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۱۳) در برخی مکتوبات تعاریفی از نظریه بیان شده است که درواقع تعریف به هدف محسوب می‌شود. برای نمونه کاکس قائل است نظریه‌ها به‌طورکلی برای کسی یا اهدافی خاص تعین یافته و ساخته می‌شود. (Cox, ۱۹۸۱, p. ۷۱) در برخی دیگر از آراء هدف از ایجاد آن‌ها را رهایی بشر بیان نموده‌اند. (Chernoff, ۲۰۰۷, p. ۱۷۴) از نظرگاهی دیگر نظریه مجموع گزاره‌هایی است که در صورت قرار گرفتن در یک کلیت، بیانگر بخش از واقعیت‌های اجتماعی است. نظریه ارتباط‌دهنده و تنظیم‌کننده مفاهیم و متغیرهای درون یک علم است. درواقع علم متشکل از مجموعه‌ای از نظریه‌ها است که در کنار هم قرار گرفته‌اند. (حقیقت، ۱۳۹۴، ص ۴۵) اساسی‌ترین کارکردهای نظریه را می‌توان در توانایی آن برای بسترسازی مؤثر جهت فهم و درک بهتر داده‌ها و هدایت تحلیل‌ها و عدم غفلت از مسائل حساس و مهم دانست. (سیدباقری، ۱۳۸۸، ص ۵) همچنین می‌توان آن را معتبرترین سند شناخته‌شده رویدادهای علمی و حاصل فعالیت‌های منظم و متدولوژیک علمی دانست. (هرگنهان، ۱۳۷۱، ص ۱۳۲).

## ۲-۲: معنای مقاومت اسلامی

مقاومت در لغت از ریشه‌ی «ق و م» است. پایداری، برابری کردن در جنگ با دشمنان، استقامت، ایستادگی، اعتدال و دوری از افراط و تفریط و ثبات و دوام در امر الهی از جمله مفاهیمی است که در تشریح و تبیین معنای این واژه مورد اشاره اهل لغت قرار گرفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۳۰۲) (عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه مقاومت) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰۴) مقاومت مصدر باب مفاعله بوده و در معنای مشارکت که دال بر دوطرفه بودن و تقابلی بودن وقوع فعل می‌باشد، استعمال شده است. (ابن‌حاجب و رضی‌الدین استرآبادی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰۲) با توجه به معنای ماده و هیئتی که پیشتر ذکر شد می‌توان معنای برخاستن و عزم بر کاری داشتن را بامعنای مشارکت برگرفته از هیئت مفاعله ترکیب نماییم که می‌شود ایستادگی و عزم در مقابل عزم دشمن. به این معنا که دشمن وقتی روی اهداف خود تمرکز نموده و ایستادگی می‌کند طرف مقابل نیز به همان شکل نسبت به اهداف خود عزم نشان داده و ایستادگی کند. در مقاومت دال مرکزی استفاده از توانمندی و ظرفیت‌های خود در جهت مقابله و تعاند با دشمنی است که مانع از تحقق هدف‌ها است. مقاومت اسلامی که به معنای مقاومت منبعث از احکام و دستورات اسلامی است، می‌تواند حیطة وسیعی را شامل شود و هرگونه ایستادگی در برابر موانع بیرونی و درونی، از جمله مبارزه با هوای نفس را نیز پوشش دهد؛ ولیکن در ادبیات معاصر به معنای ایستادگی در برابر موانع و دشمنان بیرونی اسلام است؛ دشمنی که با جنگ سخت یا نرم مانع از دستیابی به اهداف عالی اسلام است؛ شایان‌ذکر است که اصطلاح «مقاومت اسلامی» امروزه یک اصطلاح سیاسی قلمداد شده است که به کشورها و گروه‌های اطلاق می‌شود که در جهت مبارزه با دشمنان اسلام کنش‌گری‌های گوناگون دارند. (خراسانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۱) هرچند لفظ مقاومت به‌مثابه یک اصطلاح علمی در جوامع علمی و منابع دانشگاهی و حوزوی مورد پردازش قرار نگرفته است لکن با عنایت به فعالیت‌های گسترده محور مقاومت در منطقه و کشورهای اسلامی، این مفهوم در ادبیات علمی و عمومی جامعه ایرانی از جایگاه بالایی برخوردار شده است. لذا در اصطلاح فقه سیاسی شیعه می‌توان مقاومت را عبارت از ایستادگی در برابر سلطه مستکبران در عرصه نظامی و امنیتی تلقی نمود. (مهری، ۱۴۰۱، ص ۵۰). در این نوشتار نیز مسئله مقاومت همسو با مفاهیمی همچون جهاد و دفاع در نظر

گرفته شده است و در برخی موارد هم معنا لحاظ شده است. به نگاهی دیگر منظور از مقاومت در اصطلاحات رایج سیاسی عبارت از مقابله و مبارزه و همچنین ایستادگی در برابر شیطنتها، تعرضات و دست‌اندازی‌های نظام سلطه است که می‌خواهد کشورهای دیگر را تحت سلطه و سیطره خود درآورد و به یکی از اقمار خود تبدیل کند. (صلح میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۱۷)

### ۲-۳: معنای نظریه مقاومت اسلامی

با توجه به آنچه در رابطه با مفهوم نظریه و تعریف مفهوم مقاومت اشاره رفت می‌توان نظریه مقاومت را عبارت از مجموعه‌ای از اصول، گزاره‌ها و مفاهیم نظام‌مند، مرتبط، تکرارپذیر و سنجیده‌ای در نظر گرفت که واقعیت و پدیده‌های نظام بین‌الملل موجود را تحلیل و تبیین و آسیب‌شناسی نموده و مقاومت و ایستادگی را در برابر آن نظام به‌مثابه راهبردی برای رسیدن به نظام مطلوب توصیه می‌نماید. هدف از طرح این نظریه را می‌توان رهایی بشر و به‌ویژه امت‌های مظلوم و تحت ستم مسلمان جهان از قید استبداد و سلطه تلقی نمود. (عرفانی، ۱۴۰۱، ص ۳۲)

هویت نظریه مقاومت علی‌رغم ابتناء آن بر آرای شریعت اسلامی، دارای ابعاد تبیینی، هنجاری و تجویزی نیز می‌باشد. در نظریه مقاومت واقعیت پدیده‌های نظام استکباری عالم همان‌گونه که هست انعکاس یافته و خصوصیات مطلوب عالم اسلامی و روابط بین‌المللی را ترسیم می‌نماید. علاوه بر آن بایدها و نبایدهای لازم در این زمینه را هم بیان می‌کند. از این رو هم تبیین و تشریح دارد، هم بیان هنجارها و تجویز دستورات لازم صورت می‌پذیرد. (عرفانی، ۱۴۰۱، ص ۳۴)

نظریه مقاومت با اصطلاحات مفاهیم گوناگونی در ادبیات دینی و سیاسی همسو و مرتبط است. مسئله نفی سلطه و ظلم از مفاهیم پرتکرار در قرآن و سنت است. «وَلَا تَرْكُؤُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود/۱۱۳) همچنین مسئله استکبارستیزی نیز از این دست مفاهیم است. اصطلاح استکبارستیزی در ادوار اخیر جزو کلیدواژگان پرکاربرد در ادبیات سیاسی ایران و همچنین ملت‌های منطقه است. استکبار از ریشه کبر و به معنای طلب برتری و بزرگی است. در میان آرمان‌ها و اهداف والای انقلاب اسلامی، استکبارستیزی از جایگاهی مهمی برخوردار است به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود این مقوله از ارکان اصلی و ماهیت ساز

انقلاب اسلامی است که مبتنی بر توحید و نفی طاغوت معرفی شده است. فقدان استکبارستیزی و عدم اعتناء آن در سیاست‌های داخلی و خارجی، بدون تردید سبب می‌شود تا در مؤلفه‌های هویت‌ساز نظام اسلامی اختلال عمده ایجاد شود. مقاومت با عنایت به مفاهیم بیان‌شده و ارتباط آن استکبارستیزی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در تراز یک نظریه راقی و اصیل در مقام نظر و عمل مورد اشاره قرار گرفته است: «نظریه‌ی مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. نظریه‌ی مقاومت، یک نظریه‌ی اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل ... نظریه‌ی مقاومت را، این را که هدف استکبار سیطره است، هدف استکبار سلطه است، سلطه‌ی بر ملت‌ها است، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۸/۱۲) علاوه بر آنچه بیان شد برخی دیگر از صاحب‌نظران، نظریه مقاومت در با تقریرات گوناگون و متمایزی مطرح نموده‌اند. برای مثال تحلیل نظریه مقاومت به مثابه استحکام و قوت درونی، به مثابه مبارزه و به مثابه ممانعت نیز مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. (افتخاری، ۱۳۹۹، ص ۹۷)

### ۳. بررسی انگاره تعارض لاضرر و نظریه مقاومت اسلامی

#### ۳/۱. چالش حکومت لاضرر بر نظریه مقاومت اسلامی

همچنان‌که گفته آمد مسئله مقاومت با برخی چالش‌های فقهی نیز روبرو است. یکی از این چالش‌ها سنجش آن با قاعده فقهی لاضرر است. در مقام توضیح می‌توان چنین ابراز داشت که تأکید بر نظریه مقاومت و اتخاذ آن به‌عنوان یک سیاست و راهبرد در عرصه حکمرانی سیاسی و در تعامل با استکبار جهانی، سبب شده است در برخی یا بسیاری موارد آسیب‌ها، آفات و ضررهای اجتناب‌ناپذیری را گریبان جامعه اسلامی و حکومت اسلامی را بگیرد. این ضررها و آسیب‌ها نیز بالتبع در ابعاد و ساحت‌های متعددی بروز خواهد داشت و طبعاً منجر به ایجاد زحمت‌ها و سختی‌هایی همچون تحریم‌های ظالمانه برای مردم و اقشار گوناگون خواهد شد. توجه به این مطلب سبب شده است تا برخی از آشنایان با دانش فقه و وجود این ضررهای قطعی در مسئله جهاد و مقاومت برای امت اسلامی را موجب جریان یافتن قاعده لاضرر و بالتبع رفع حکم وجوبی مقاومت و دفاع ولو برای مقطع زمانی خاصی شوند؛ و با استناد به آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره ۱۹۵) اقدام برای تقابل با دشمنان و متجاوزان را نوعی القاء نفس در

هلاکت قلمداد نمایند. (سروش محلاتی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۳۷) بدین صورت که ادعا شده است قاعده لاضرر بر ادله وجوب مقاومت در برابر دشمنان حاکم است. حال باید بررسی نمود که آیا صغریاً اتخاذ نظریه مقاومت اسلامی به عنوان سیاست کلان نظام جمهوری اسلامی موجب ضرر خواهد شد؟ در صورت پاسخ مثبت به این سؤال، پرسش دیگری مطرح می‌شود؛ آیا به لحاظ کبروی نیز هر نوع ضرری در احکام شرعی به سبب قاعده لاضرر نفی شده است؟ در واقع جهت تنقیح بهتر محل نزاع می‌توان این مسئله در قالب یک قیاس اقترانی شکل اول تصویر نمود:

ارکان قیاس	
صغری	حکم شرعی وجوب مقاومت (در برابر استکبار) موجب ضرر است.
کبری	هر حکم شرعی‌ای که موجب ضرر بشود مرتفع است.
نتیجه	حکم شرعی وجوب مقاومت مرتفع است.

مسئله مقاومت در برابر دشمنان دین در انحاء گوناگون آن به صورت یک حکم شرعی اولی، مولوی، واقعی، اصلی و نفسی قابلیت طرح و استنباط را دارد. از این رو در فرض استلزام ضرر در متعلقات مقاومت ادعای رفع حکم به سبب حکومت این قاعده بر ادله حکم وجوب مقاومت شده است. در قیاس اقترانی بالا «مقاومت» به مثابه حد اصغر، «ارتفاع» به عنوان حد اکبر و «اشتمال بر ضرر» نیز حد وسط استدلال لحاظ شده است.

در مقام پاسخگویی به این مسئله باید بحثی در رابطه صغری و وجوه ممنوعیت آن مطرح شود و سپس از حیث کبری بررسی نمود که آیا اندراج هر میزان ضرر در احکام شرعی موجب ارتفاع آن خواهد بود یا خیر؟ این مسئله در ذیل قاعده لاضرر توسط غالب فقهای شیعه تحت عنوان «استهجان کثرت تخصیص قاعده لاضرر» مورد بررسی تفصیلی قرار گرفته است. در این نوشتار به جهت وسعت و

اهمیت بحث، ابتدا به تنقیح کبرای استدلال پرداخته خواهد شد و در نهایت توضیحاتی در رابطه با صغری ارائه خواهد شد.

### ۳/۲. کثرت تخصیص قاعده لاضرر

شیخ انصاری در کتاب فراندالاصول مسئله کثرت تخصیص‌های قاعده لاضرر را مطرح نموده است. (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۶۶۵) برخی از فقها نیز این مطلب را وجهی برای ضعف این قاعده تلقی نموده‌اند؛ هرچند که از نظر دلالت و سند محکم و متین محسوب می‌شود. (همان) بررسی احکام شریعت اسلامی نشان می‌دهد بسیاری از احکام همچون وجوب خمس، زکات، حج، دیات، احکام مربوط به ضمانات و همچنین اجرای حدود و قصاص و تعزیرات مستلزم آسیب و نقص و ضرر است. یکی از مهم‌ترین این احکام که به وضوح متضمن ضرر و آسیب است، مسئله وجوب جهاد، دفاع و مقاومت در برابر دشمنان و طواغیت و مستکبرین عالم است. در صورت استثناء نمودن این احکام از قاعده لاضرر آنچه ذیل این قاعده باقی خواهد ماند کمتر از مواردی است که از شمول آن خارج می‌شود؛ این مطلب با حکمت موردنظر برای جعل این قاعده سازگاری نخواهد داشت و به تعبیر شیخ انصاری اگر بر طبق عموم این قاعده عمل شود بدون شک فقه جدیدی را شاهد خواهیم بود. (همان) این اشکال با تقریری دیگر نیز قابل بیان است؛ بدین صورت که اصل جعل این قاعده در سیاق امتنان بر امت اسلامی است. سیاق امتنان اقتضا دارد تا استثنائات گوناگون و متعدد در رابطه با این قاعده مطرح نشود؛ چراکه خروج اکثر مصادیق و افراد از ذیل آن عرفاً مستهجن و قبیح است. این مطلب مانند آن است که شارع بگوید بر شما امت اسلام در رابطه با مسئله ضرر امتنان نمود مگر در مورد حدود، جهاد، قصاص، خمس و زکات و انفاق و غیره. بدون شک چنین مطلبی بی‌معنا و نادرست است. لذا با عنایت به این اشکال، غالب فقها در مقام پاسخگویی و رفع شبهه مزبور برآمده‌اند. مهم‌ترین پاسخ‌هایی که به این مسئله داده شده است به‌قرار ذیل است:

#### ۱. استقرار سیره و عمل اصحاب بر تخصیص قاعده

برخی از فقها در پاسخ به اشکال مطرح‌شده، عمل اصحاب و سیره متشرعه در رابطه با استثنائات مزبور را دلیل بر وجود قرآنی بر تعیین مراد واقعی از این قاعده می‌دانند که به دلایل مختلف به دست ما نرسیده است. توضیح بیشتر آن که قاعده لاضرر از حین

صدور مهفوف به قرائنی بوده است که به‌طور کامل حدود و ثغور دلالتی آن را مشخص می‌نموده است. لکن در حال حاضر با عنایت به عدم دسترسی ما به این قرائنی حالی یا مقالی، می‌توان به عمل اصحاب یا سیره مستقره در این زمینه به‌مثابه کاشف از این قرائن رجوع نمود. (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۴۶۲)

## ۲. عدم استهجان اخراج افراد متعدد از عموم عام، تحت عنوان جامع

در این دیدگاه بیان میشود که تخصیص اکثر در همه حالات و فروض قبیح و مستهجن تلقی نمی‌شود؛ بلکه آنجایی قبیح است که اخراج افراد از ذیل عموم عام تحت عناوین متعدد و مختلفی صورت گیرد. در غیر این صورت اگر اخراج افراد از تحت عام ذیل عنوان واحد و جامعی صورت پذیرد نمی‌توان ادعای استهجان نمود. (انصاری، ۱۴۲۸،

ج ۲، ص ۴۶۳)

## ۳. وجود منفعت در مقابل ضرر

پاسخ دیگر در این زمینه آن است که ضرر عرفی درجایی است که در عوض نقصان حاصل، منفعت یا فایده‌ای حاصل نشود؛ اما در صورتی که حداقل برابر آن نفع و ثمره ایجاد شود ضرر صدق نخواهد کرد. در بسیاری موارد نیز چندین برابر نقصان حاصل، منفعت اخروی یا دنیوی نصیب فرد می‌شود؛ لذا دیگر محلی برای ضرر نیست. آیات و روایات بسیار زیادی در این زمینه آثار و منافع دنیوی و اخروی برخی احکام را بیان

می‌کند. (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۶۲)

## ۴. خروج تخصیصی احکام دارای موضوع ضرر

در این دیدگاه، احکام شرعی دارای این خصوصیت از ابتدا از ذیل موضوع قاعده خارج هستند و در واقع تخصیصی رخ نداده است بلکه خروج آنها از ذیل قاعده لاضرر از باب تخصّص است. در محل نزاع ما نیز ادعا می‌شود احکامی که ماهیت آنها مقترن یا مبتنی بر نوعی آفت و ضرر است تخصّصاً از ذیل قاعده لاضرر خارج هستند و تخصیصی رخ نداده

است. به همین جهت (خروج موضوعی) نیز مسئله استهجان رخ‌نمایی نمی‌کند؛ چراکه اصولاً این استهجان و قبح در رابطه با تخصیص مطرح می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۲)

۵. عدم استهجان کثرت تخصیص به سبب وجود ارتکازات عرفی و فهم اجتماعی از

### نصوص

شهید صدر در پاسخ به استهجان کثرت مخصّصات قاعده لاضرر به‌عنوان یکی از مشکلات مطرح در رابطه با این قاعده بحث مناسبات حکم و موضوع را طرح می‌نمایند. ایشان در مقام نقد سایر آراء و نظرات، وجه تولید اشکال را ناظر به اخذ به ظهور بدوی کلام و جمود به نفس اطلاعات مستفاد از آن قلمداد می‌کنند؛ لکن با عنایت به فهم اجتماعی از نصوص و جریان عنصر مناسبت حکم و موضوع مطلب دیگری قابل استنباط و استظهار است.

توضیح بیشتر آنکه عنایت به مناسبات حکم و موضوع سبب شکل‌گیری قرینه‌ای لَبّی و حالی می‌شود که نوعی تخصیص و تقیید را نسبت به مفاد این قاعده صورت‌بندی می‌نماید. از مقوّمات اصلی شریعت اسلامی وجود قوانین و ضوابطی است که عدالت اجتماعی را در سطح جامعه محقق سازد. تحقّق این مسئولیت اساسی بدون وجود قوانین و دستورالعمل‌های فردی و اجتماعی ممکن نیست. بدون شک کارکرد اساسی این قوانین و ضوابط، تحدید حقوق، مسئولیت‌ها و التزامات گوناگون آحاد امت اسلامی در تعامل با سایرین و حکومت است. از این رو نمی‌توان ادعا نمود تحدید حقوق و شرایط و مسئولیت‌ها برای افراد و مکلفین ضرری محسوب می‌شود چراکه مصالح حقیقی و واقعی و بالاتر انسان‌ها اقتضای آن ضوابط و قواعد را دارد؛ هرچند که آثار آن مصالح به‌طور واضح و کامل عیان نباشد. شهید صدر بهترین شاهد بر این مطلب را تاریخ حیات بشری قلمداد می‌کنند و تأکید دارند ضرر واقعی و بزرگ‌تر آنجا است که شریعت اسلامی فاقد قوانینی باشد که نتواند از جانی و تالف و

غاصب، حقوق مکلفین را استیفا و استنفاذ نماید. (صدر، ۱۴۲۰، ص ۲۱۹) به عبارتی دیگر منشأ شکل‌گیری این شبهه عدم نگرش اجتماعی به نصوص و تشریحات اسلامی است. بدون شک غرض از تشریح احکام اسلامی نه تنها اصلاح شئون افراد و مکلفین است بلکه اصلاح شئون جامعه اسلامی نیز مراد شارع مقدس بوده است. از این زاویه نظر وجود قوانین محدودکننده ضروری می‌نماید. (ایروانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۴۳) با عنایت به آنچه بیان شد آثار مذکور در احکام متعدّد فقه اسلامی زمانی متّصف به وصف ضرر هستند که منفعت قوانین را ناظر به بُعد فردی در نظر بگیریم. در غیر این صورت یا ضرر صدق نخواهد کرد و یا اگر هم صدق کند به‌عنوان ضرر مقبول در نزد عقلا شناخته می‌شود. (همان) از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت، کبرای استدلال مذکور در رابطه جریان قاعده لاضرر در حکم وجوب مقاومت اسلامی ممنوع است؛ یعنی این‌گونه نخواهد بود که هر حکم شرعی مشتمل بر ضرر حسب دلالت قاعده لاضرر مرتفع و غیرقابل التزام باشد.

### ۳/۳. بررسی اشمال ضرر در جهاد و مقاومت

در منظومه معارف اسلامی در رابطه با دشمنان دین دو گونه دستور حسب شرایط مختلف وجود دارد. برخی گزاره‌های شرعی حاکی از صلح و سازش با کفار است درجایی که آنان اقدامی علیه مسلمین و جامعه دینی صورت نداده‌اند و درباره شریعت جنگی صورت نداده‌اند. لکن این مطلب در زمانی است که موضوع صلح و یا سازش محقق باشد؛ چراکه در صورت تغییر شرایط و در حالت هجمه دشمنان به امت اسلامی و یا وجود سلطنت طواغیت و استکبار و زورگویی آنان مجالی برای صلح و سازش وجود نخواهد داشت؛ و هر کوتاهی و نرمش علاوه بر نمایش ذلت سبب روزافزون شدن ظلم ظالمان و گسترش تجاوزات آنان در حق جامعه اسلامی خواهد بود. از این‌رو رویکرد دوم شریعت اسلامی همانا جهاد و مقاومت در برابر دشمنان اسلام است. همچنان‌که پیش‌تر بیان شد از این رویکرد در ادبیات فقهی و دینی با عناوینی همچون جهاد، حرب، قتال، مقاومت، استقامت یاد شده است.

حال باید بررسی نمود که نفس رویکرد دوم که در بسیاری موارد متعلق خطاب شارع نسبت به مسلمین است تا چه حدی مشتمل بر ضرر و نقص است. به نظر می‌رسد با عنایت به سؤال مطرح شده در این بخش باید بررسی نمود که در رابطه با این مقاومت و جهاد چه آثاری مترتب است تا بتوان پاسخی درخور نسبت به ارتباط حکم جهاد و مشتمل آن بر ضرر و زیان ارائه نمود. نگارندگان بر این ادعا هستند که مسئله جهاد، مقاومت و دفاع هرچند در ظاهر — به حسب طبیعت و ذات این حکم — مستلزم نقصان و خسارت است لکن آثار و برکات متعددی برای آن وجود دارد که سبب می‌شود ضررها و پیامدهای ناشی از آن مورد توجه قرار نگیرد یا اگر هم مورد توجه باشد در قیاس با منافع مستحصل از آن سنجش و ارزیابی شود. این نکته نه تنها مستفاد از رویکرد شریعت بوده بلکه همچنان که پیش‌تر بیان شد سیره عقلای بشر در جنگ‌ها و دفاع‌های متعدد در مقابله با تجاوزات دشمنان است. چراکه اصولاً ابتدای مقاومت بر فطرت بشر استوار است.

با عنایت به این مطلب با احصائی مختصر از آثار و برکات جهاد و مقاومت می‌توان ابعاد و جوه صغری استدلال را به‌خوبی تنقیح نماییم. در رابطه با مهم‌ترین فواید و دستاوردهای جهاد و مقاومت می‌توان به مواردی همچون تحکیم هویت امت اسلامی، حفظ کیان دین و شریعت، ارتقاء امنیت امت اسلامی در جامعه دینی و پاسداشت کرامت انسانی را ذکر کرد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مسئله جهاد و مقاومت هرچند حسب طبیعت ذاتی آن همراه با آسیب‌ها و نقص‌هایی همراه خواهد بود لکن در عوض مستبطن منافع و آثار و برکات بسیار زیادی است که هر عاقلی را نسبت به آن مجاب می‌کند. باید توجه داشت که در مقوله جهاد و مقاومت هرچند ممکن است به فرد یا افرادی از مکلفین ضرر وارد آید، اما ترک آن مستلزم تحقق ضررهای مهلک اجتماعی است. لذا از این رو باید بین ضررهای فردی و اجتماعی تفاوت قائل شد. در کل نگاه شریعت و حتی جمیع عقلای بشر در قانون‌گذاری و تقنین در نظر گرفتن همین ضررهای فردی و اجتماعی است؛ به‌طوری که برخی محدودیت‌های فردی در صورت ایجاب مصلحت اعم و اکثر برای جامعه مورد پذیرش قرار گرفته است.

در ذیل قاعده لاضرر نکته مهمی که مورد توجه و اشاره غالب فقها قرار گرفته است مسئله‌ی تراحم دو ضرر است. در صورتی که دو حکم هر دو مستبطن ضرر و اضرار باشد کدام ضرر

مقدم می‌شود؟ کدام‌یک را باید ترک نمود؟ فقها در این رابطه بر تبعیت از ملاک اقوی تأکید دارند. بدین معنا که در این خصوص باید آن حکمی را که مستبطن ضرر آکد و اشد است کنار گذاشته شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۹۷)

از این رو باید عنایت داشت که مستفاد از قاعده لاضرر این نیست که هر حکمی ولو با کمترین ضرر و آسیب مرتفع خواهد بود و صرفاً احکامی از شرع متبع خواهد بود که سراسر منفعت و سود باشد؛ بلکه کلیت ضرر در این قاعده نفی گشته است اما آنکه کدام یک از احکام مستبطن ضرری است که در ذیل قاعده قرار گیرد، نیاز به امعان نظر و توجه به کتاب و سنت دارد. در محل نزاع ما نیز این مطلب صادق است؛ چراکه ضرر به‌عنوان امری نسبی و اقتضایی، به‌صورت طبیعی در مسئله جهاد و دفاع و مقاومت وجود دارد و از این جهت ترک آن به سبب وجود عنصر ضرر، تعطیلی کامل مسئله جهاد و دفاع را در پی خواهد داشت. بدون شک این استلزام، مطلبی است که مورد نظر هیچ‌یک از فقها و اندیشمندان و حتی هیچ‌یک از مسلمین نخواهد بود.

#### ۳/۴. جریان قاعده لاضرر در امور عدمی

پیش‌تر بیان شد که حسب یک قیاس اقترانی شکل اول می‌توان ادعا نمود که حکم شرعی وجوب مقاومت اسلامی و برخی مفاهیم همسو با آن حسب دلالت قاعده لاضرر مرتفع خواهد شد. پیشتر به نقد و بررسی صغری و کبری این استدلال پرداخته شد و ثابت شد که این استدلال هم در ناحیه صغری و هم در ناحیه کبری مشتمل بر ایرادات و اشکالات متعددی است و لذا مورد پذیرش واقع نخواهد شد. علاوه بر آنچه از منع صغری و کبری در استدلال مزبور بیان شد می‌توان ادعا نمود استدلالی شبیه به همان سیاق در اثبات عکس مدّعی محل نزاع قابل طرح است. محصل از این استدلال نتیجه‌ای است در خلاف آنچه از استدلال سابق برداشت شد.

ارکان قیاس	
صغری	عدم وجوب مقاومت (در برابر استکبار) موجب ضرر است.
کبری	هر آنچه موجب ضرر باشد مرتفع است.
نتیجه	عدم وجوب مقاومت مرتفع است.

ابتناء این قیاس بر پایه ثبوت قاعده لاضرر در احکام عدمی است؛ یعنی اگر بپذیریم این قاعده در احکام عدمی نیز جریان می‌یابد، می‌توان چنین استدلالی را نیز مطرح نمود. استفاده از قاعده لاضرر در احکام عدمی مورد پذیرش غالب فقیهان معاصر قرار گرفته است. برای اثبات یک حکم شرعی، در حالتی که از عدم آن حکم، ضرری حاصل می‌آید، می‌توان به این قاعده تمسک نماییم به طوری که نبود این حکم را موجب ضرر دانسته؛ و حسب دلالت قاعده لاضرر، نبود این حکم را نفی کنیم. لذا خود حکم اثبات خواهد شد. معمولاً مثال‌هایی که در این زمینه بیان می‌شود آن است که شخصی، انسان آزادی را حبس نماید و در نتیجه مقدار کاری در مدت حبس از او تفویت شود؛ در این صورت شخص مذکور ضامن خواهد بود. در این حالت، عدم ضمان، سبب خواهد شد به شخص حُرّ، ضرر وارد آید. این در حالی است که اثبات ضمان، ضرر مذکور را رفع خواهد کرد. در اینجا عدم حکم به ضمان، خود ایجاد ضرر خواهد کرد و حسب دلالت قاعده لاضرر، ضمان ثابت می‌شود. بررسی دقیق در رابطه با این قاعده نشان می‌دهد که نمی‌توان وجهی برای تخصیص این قاعده برای احکام وجودی در نظر گرفته و از عمومیت آن صرف نظر نمود. چراکه مقصود از نفی در قاعده مزبور، نفی ضررهای حاصل از موقف‌های اتخاذ شده توسط شارع است. با این توضیح که شارع متعال در عالم تشریح موقفی را که مستلزم ضرر بر مکلفین باشد، اتخاذ نکرده است. در واقع نفی مستفاد از قاعده از زاویه عالم تشریح لحاظ می‌شود؛ لذا دو مصداق برای آن می‌توان در نظر گرفت: نفی حکمی که استلزام ضرر دارد و ثبوت حکمی که نبوده و سبب ایجاد ضرر و آسیب می‌شود. این مصداق دوم به مثابه مدلول لسان مستقیم و مباشر قاعده تلقی می‌شود. (ایروانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۴۶) (صدر، ۱۴۲۰، ص ۳۱۰)

#### ۴. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در فصول پیشین بیان شد در رابطه با مسئله نسبت سنجی قاعده فقهی لاضرر با نظریه مقاومت اسلامی می‌توان نکات ذیل را به‌عنوان نتایج بحث مورد اشاره قرارداد:

۱. قاعده فقهی لاضرر؛ قاعده‌ای پرکاربرد در فقه سیاسی و اصطیاد شده از ماجرای سمره بن جندب است.

۲. طرح نظریه مقاومت به مثابه مجموعه‌ای از اصول، گزاره‌ها و مفاهیم نظام‌مند، مرتبط، تکرارپذیر و سنجیده با قابلیت تحلیل و آسیب‌شناسی مسائل نظام بین‌الملل و ارائه راهبرد برای وصول نظام مطلوب قابل ارائه است.
۳. هدف نظریه مقاومت رهایی بشر خصوصاً ملت‌های مظلوم و مسلمان عالم از قید استبداد و سلطه است.
۴. ابتناء نظریه مقاومت بر آرای شریعت اسلامی و همچنین دارای ابعاد تبیینی، هنجاری و تجویزی است.
۵. ادعای حکومت قاعده لاضرر بر حکم شرعی مقاومت اسلامی به مثابه چالشی فقهی برای نظریه مقاومت اسلامی بیان شده است.
۶. وجود منافع و برکات گسترده از جهاد و مقاومت عامل تلقی ناچیز بودن ضررهای مزبور است.
۷. خروج تخصصی و موضوعی احکامی دارای ماهیت آفت و ضرر از ذیل شمول قاعده لاضرر قابل طرح است.
۸. استهجان تخصیص اکثر از قاعده لاضرر به جهت خروج تخصصی احکام دارای ماهیت آفت و ضرر مورد پذیرش واقع نمیشود.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین. (۱۴۰۹). *کفایه الأصول*. مؤسسه آل البيت عليهم السلام (لاحياء التراث). قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
- ابراهيم، مصطفى. (۱۹۸۹). *معجم الوسيط*. استانبول: دارالدعوه.
- ابن اثير، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. قم: اسماعيليان.
- ابن حاجب، عثمان بن عمر؛ و رضی الدين استر آبادی، محمد بن حسن. (۱۳۷۹). شرح *شافیة ابن الحاجب*. بيروت: دار الكتب العلمية | مرتضوی.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۹۹). *مقاومت در اسلام، نظریه و الگو*. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- اکبری، حسین. (۱۳۹۸). *تقابل گفتمان مقاومت و گفتمان نظام سلطه*. تهران: دانشگاه جامع امام حسین ع.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین. (۱۴۲۸). *فرائد الأصول / مجمع الفكر*. (لجنة التحقيق تراث الشيخ الاعظم). قم: مجمع الفكر الإسلامی.
- ایروانی، باقر. (۱۳۸۴). *دروس تمهیدیة فی التواعد الفقهيّة*. قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر.
- پارسا، حمید. (۱۳۹۲). *نظریه و فرهنگ: روش شناسی بنیادین تکوین نظریه های علمی*، (۲۳).
- جاکارد، جیمز. (۱۳۹۵). *مهارت های نظریه پردازی و دل سازی راهنمایی علمی برای پژوهشگران علوم اجتماعی*. (ایرج ساعی، مترجم). تهران: بهمن برنا.
- حقیقت، صادق. (۱۳۹۴). *روش شناسی در علوم سیاسی*. قم: دانشگاه مفید.
- خراسانی، علی. (۱۳۹۹). *نقش توحیدباوری در مقاومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم*. فصلنامه علمی تخصصی علوم قرآن و حدیث، (۱).
- خطیب قزوینی، محمد بن عبد الرحمن؛ و سکاکی، یوسف بن ابی بکر. (۱۳۷۶). *مختصر المعانی*. (مسعود بن عمر تفتازانی). قم: دار الفكر.
- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۱۵). *بدائع الدرر فی قاعده نفي الضرر*. (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)). قم: مؤسسه تنظیم و نشر

- آثار امام خمینی (س).
- خوبی، ابوالقاسم؛ و واعظ الحسینی، محمد سرور. (۱۴۲۲). *مصباح الأصول*. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- روحانی، محمد صادق. (۱۴۳۵). *فقه الصادق*. (جمع من الفضلاء). قم: آیین دانش.
- زارعی سبزواری، عباسعلی. (۱۴۳۰). *القواعد الفقهیه فی فقه الإمامیه*. قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- سیحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۰۸). *قواعد تان فقهیتان، اللا ضرر و الرضاع*. (حسن مکی عاملی). قم: مؤسسه سید الشهداء (ع).
- سروش محلاتی، محمد. (۱۴۰۱). *جهاد در فقه معاصر شیعه (ج ۲)*. میراث اهل قلم.
- سیدباقری، سیدکاظم. (۱۳۸۸). *اجتهاد و بسترهای نظریه پردازی در فقه سیاسی شیعه در دوران معاصر*. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، (۱۶)، ۴.
- سیستانی، علی. (۱۴۱۴). *قاعده لا ضرر ولا ضرار (سیستانی)*. (نامشخص). قم: مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی.
- شریعت اصفهانی، فتح الله بن محمدجواد. (بی تا). *قاعده لا ضرر (شریعت اصفهانی)*. قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- شریعتی، روح الله. (۱۳۹۳). *قواعد فقه سیاسی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صدر، محمد باقر. (۱۴۲۰). *لا ضرر ولا ضرار (صدر)*. قم: دار الصادقین.
- صلح میرزایی، سعید. (۱۳۹۸). *اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. (نشر اثر اصلی اول)
- طباطبایی حکیم، محمد سعید. (۱۳۹۲ الف). *المحکم فی أصول الفقه*. قم: دار الهلال.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. (هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی). تهران: دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. (احمد حسینی اشکوری). تهران: مکتبه المرتضویه.
- عرفانی، محمدقیوم. (۱۴۰۱). *استلزامات فقهی نظریه مقاومت اسلامی (پایان نامه دکتری)*.

- دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم.
- عمید، حسن. (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
- عیوضی، محمد رحیم. (۱۴۰۱). *جامعه شناسی جبهه مقاومت*. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۳۸۳). *القواعد الفقهیه (لنکرانی)*. (محمدجواد فاضل لنکرانی). قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (علیهم السلام).
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۲۵). *ثلاث رسائل*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶). *الوافی*. (ضیاء‌الدین علامه و کمال فقیه ایمانی). اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامه.
- قادری کنگاوری، روح الله. (۱۳۹۴). *نظریه مقاومت و نظریه های غربی روابط بین الملل*. تهران: نشر مخاطب.
- کرلینجر، فرد ان. (۱۳۷۷). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*. (حسن پاشاشریفی، مترجم). تهران: آوای نو.
- مصطفوی، محمد کاظم. (۱۴۲۱). *القواعد الفقهیه ۱ (مصطفوی)*. قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- معلوف، لوییس. (۱۳۷۱). *المنجد فی اللغة*. قم: اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۰). *القواعد الفقهیه (مکارم)*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مهری، محمدجواد. (۱۴۰۱). *فقه مقاومت از دیدگاه مذاهب خمس با رویکرد مقارنه ای و تحلیلی*. قم: مکتب اندیشه.
- موسوی بجنوردی، محمد. (۱۳۷۹). *قواعد فقهیه (موسوی بجنوردی)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- نایینی، محمدحسین. (۱۳۷۶). *فوائد الأصول*. (رحمت الله رحمتی اراکی، ضیاء‌الدین عراقی، و محمدعلی کاظمی خراسانی). قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۷۵). *عوائد الأيام*. (مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه).

قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مرکز انتشارات.  
 نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*. مؤسسه آل البيت عليهم السلام  
 لاحیاء التراث). قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث.  
 هرگنهان. (۱۳۷۱). *مقدمه ای بر نظریه‌های یادگیری*. (علی اکبر سیف، مترجم). تهران:  
 فرهنگ معاصر.

Chernoff, Fred. (2007). *Theory and Metatheory in International Relations: concepts and contending accounts*. New York: Palgrave Macmillan.

Cox, Robert. (1981). *production and world order*.

pfaltzgraft, Robert; & Dougherty, James. (2001). *Contenting Theories of International Relations: a comprehensive Survey*. New York: Longman.